Vol. 10 | No. 2655 | Sat. Dec 9. 2023 | شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۲ | ۲۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۵ | سال دهم | شماره ۲۶۵۵ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

دلار	یورو	تمام سکه	شاخص بورس
--	--	۲۹۳۴۸۰۰۰	۲۱۷۱۰۲۳

امید رییسی به بهبود اوضاع، انتقاد قالیباف از مشکلات مدیریتی

تکلیف دو قوه با اقتصاد ایران در ۱۴۰۳ روشن است؟

صفحه ۲

استفاده از فناوری‌های نوین و کریپتو در ایران نیز همسو با جهان افزایش یافته است

ایران در رتبه ۲۸ استفاده از رمزارزها

صفحه ۶

فرشاد مومنی، اقتصاددان: امنیت اقتصادی پیش نیاز تعالی فرهنگ و اخلاق

آدرس درست توسعه

در ۳۰ سال اخیر، ۱۵۰ میلیارد دلار اضافه هزینه بابت طرح‌های عمرانی بی‌ضابطه پرداخت شده است

صفحه ۸

اژه‌ای: ۷۰ درصد تخلف مربوط به دو سال اخیر است

دولت: فساد چای در دولت قبل رخ داده

۷

یادداشت-۱

«چار» و پروژه بی‌اثرسازی تحریم‌ها

حسن هانی‌زاده

سفر رییس جمهور ایران به روسیه در شرایط خاص منطقه‌ای و بین‌المللی، بازخوردهای متفاوتی را در فضای عمومی کشور و البته فضای منطقه‌ای ایجاد کرد. این پرسش که ایران و روسیه چه دستاوردهای متقابلی می‌توانند از این نوع مناسبات ارتباطی برداشت کنند؟ نیز در بطن ارزیابی‌های تحلیلی مطرح شده است. به‌طور کلی، سفر ابراهیم رییسی رییس جمهور ایران به روسیه در چهارچوب مناسبات رو به رشد تهران- مسکو قابل تجزیه و تحلیل است. با توجه به اینکه روسیه در شرایط فعلی از نقش محوری در منطقه برخودار است، از یکسو سفر اخیر ولادیمیر پوتین به کشورهای حوزه خلیج فارس که در راستای گسترش مناسبات روسیه با کشورهای منطقه خلیج فارس قابل تحلیل است می‌تواند فضای تعاملی تازه منطقه‌ای بین ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس شکل دهد و از سوی دیگر، زمینه‌ای برای نقش آفرینی بیشتر روس‌ها در اتمسفر اقتصادی و سیاسی منطقه به وجود بیاورد. روسیه به هر حال مناسبات گسترده‌ای با ایران در حوزه‌های نظامی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی دارد. دامنه وسیعی از توافقنامه‌ها، قراردادها، دستورالعمل‌ها و برنامه‌ریزی‌های راهبردی میان دو کشور جریان دارد که مجموعه آنها دورنمای رو به رشدی از همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، راهبردی و... میان این دو کشور را نوید می‌دهد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه هر ۳ کشور ایران و روسیه و چین به عنوان کشورهای «چار»، محوری‌ترین کشورهای شرق و غرب آسیا هستند، لذا می‌توانند در کنار هم، مجموعه بزرگی در حوزه اقتصادی شکل داده و شرایطی ایجاد کنند تا مجموعه «چار» (چین، ایران و روسیه) بتوانند در آینده بلوک اقتصادی بزرگی در برابر امریکا و غرب ایجاد کنند. با توجه به دیدگاهی که چین در خصوص گسترش مناسبات اقتصادی خود با کشورهای مختلف منطقه خاورمیانه دارد، ۳ کشور محوری یاد شده یعنی چین، ایران و روسیه قادرند بلوک اقتصادی بزرگ و تاثیرگذاری ایجاد کرده و سطح تعاملات اقتصادی خود را در راستای منافع مشترک و متقابل افزایش دهند. همین مناسبات می‌تواند منجر به شکل گیری یک ارز محلی و بومی شود و توان و قدرت و سلطه دلار را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی کاهش دهند. بر این اساس سفری که ابراهیم رییسی به مسکو داشت، صرفا به خاطر گسترش مناسبات بین تهران و مسکو برای بهبود شرایط بوده است. ضمن اینکه موضوع مهمی که در مدار بحث پوتین و رییسی ایجاد شد، موضوع جنایات صهیونیست‌ها در غزه و مصایبی که مردم غزه با آن دست به گریبانند، است. ابراهیم رییسی از همتای روسی خود خواسته تا از نفوذ خود در شورای امنیت سازمان ملل متحد استفاده کرده و در برابر گسترش جنگ مقاومت کرده و در راستای توقف و کاهش حملات به غزه نقش برجسته‌تری ایفا کند. البته روسیه در حال حاضر این آمادگی را دارد تا نقش محوری و کانونی برای پایان دادن به بحران غزه و کاهش آلام مردم مظلوم فلسطین ایفا کند. بر اساس این دلایل است که معتقدم این سفر می‌تواند به گسترش همکاری‌های منطقه‌ای بین کشورهای منطقه و ایران کمک کند. به ویژه اینکه روسیه، هم از رابطه مناسبی با کشورهای حوزه خلیج فارس برخوردار است و هم رابطه تعریف شده‌ای با ایران دارد، همچنین از این توان هم برخوردار است که در آینده یک همکاری گسترده بین کشورهای منطقه و ایران ایجاد کند. موضوع مهم بعدی که روابط ایران و روسیه همچنین چین را دارای اهمیت راهبردی می‌سازد، مرتبط با بحث تحریم‌ها است. هم ایران، هم روسیه و هم چین در مدار تحریم‌های اقتصادی غرب و امریکا قرار دارند. ساز و کارهایی میان این کشورها، تعریف شده تا در چهارچوب شانگهای و بریکس به عنوان دو بلوک مهم اقتصادی که ایران و روسیه و چین عضو آن هستند، شرایطی فراهم شود تا در آینده یک مجموعه بزرگ اقتصادی در راستای تضعیف و بی‌اثر شدن تحریم‌ها شکل بگیرد. لذا همکاری روسیه و ایران می‌توان باعث شود تا در ابتدا تحریم‌های اقتصادی امریکا علیه این کشورها کاهش پیدا کرده و در مرحله بعد بی‌اثر شود. با تبادلاتی که میان این ۳ کشور صورت می‌گیرد، اثرات این تحریم‌های اقتصادی کمرنگ شده و اهداف غرب محقق نمی‌شود. حذف دلار از معاملات فی‌مابین این سه کشور، در کنار برنامه‌ریزی برای ایجادساز و کاری برای نقل و انتقالات مالی و هدف گذاری برای به‌اشتراک گذاشتن ظرفیت‌های هر کدام از طرفین و... در راستای این راهبرد کلی است.

انتخابات هیات رییسه پارلمان کشوری قانون گذاران شهری به تعویق افتاد

تنش در شورای عالی استان‌ها

در پی تنش در فرایند برگزاری انتخابات هیات رییسه شورای عالی استان‌ها و ترک کردن جلسه از سوی برخی از نمایندگان، این انتخابات به تعویق افتاد. روز پنجشنبه، انتخابات هیات رییسه شورای عالی استان‌ها برای سومین سال از ششمین دوره این شورا با ایجاد تنش و اعتراض دو نفر از کاندیداهای ریاست شورا در خصوص شیوه رای گیری به تعویق افتاد و مقرر شد در جلسه آینده شورا این انتخابات برگزار شود. به گزارش ایسنا، در حالی که مقرر بود روز پنجشنبه ۱۶ آذر ۱۴۰۲ در بیست و سومین اجلاس عمومی شورای عالی استان‌ها انتخابات سومین سال از ششمین دوره این شورا برگزار شود، در پی ایجاد تشنج در خصوص اعتراض دو نفر از کاندیداهای ریاست مبنی بر عدم استفاده از القاب یا... صفحه ۵ را بخوانید

«تعادل» از بازار سرمایه گزارش می‌دهد

چشم بورس به آینده

بازار سرمایه هفته گذشته نیز توانست رکوردشکنی کند و با بازدهی مثبت بیش از پنج درصد بسته شد و باعث شد امید سهامداران نسبت به بازار افزایش یابد و در این شرایط به نظر می‌رسد که نقدینگی آرام آرام وارد بازار شود و به مرور شرایط تغییر کند. طی سه سال اخیر بیش از نقدینگی، اعتماد از بازار خارج شده و اکنون با افزایش شاخص و عدم دخالت در بورس شاهد تغییرات مثبتی در وضعیت سهامداران هستیم. صفحه ۴ را بخوانید

یادداشت-۲

فقر ۶۸ درصدی و فساد ۳،۳۷ میلیارد دلاری

عباسعلی ابونوری

۱) بر اساس اعلام بانک جهانی فقر در ایران بیش از ۶۸ درصد جامعه را درگیر خود ساخته است. اما همزمان با گسترش فقر در ایران، شاهد وقوع تخلفات، فسادها و اختلاس‌هایی هستیم که دود از سر هر بنی‌بشری بلند می‌کند. ماجرای فساد اخیر بیش از ۳ میلیارد دلاری، تکانه بزرگی بود که جامعه ایرانی را در بهت و حیرت فرو برد. هر چند سابقه وقوع یک چنین مفاسدی در اقتصاد و نظام مدیریت ایران وجود دارد، اما افکار عمومی با تعجب، انگشت حیرت به دهان گرفته که چطور می‌شود، دولتی که برای واردات دارو و شیر خشک و نهاده دامی و... که با حیات بسیاری از ایرانیان مرتبط است، ارز ترجیحی تخصیص نمی‌دهد و ارز ترجیحی این اقلام را حذف می‌کند، ناگهان به یک شرکت واردات چای!!! میلیاردها دلار ارز ترجیحی تخصیص می‌دهد؟ در این میان هر چند موضوع تخصیص غیر متعارف ارز به یک شرکت خاص دارای ابهامات فراوان است، اما موضوع مهم‌تر به نظر من فقدان نظارت‌های قانونی در خصوص این نوع تخصیص‌ها و پرداخت‌ها و مفاسد است. این در حالی است که اگر روند پیوستن ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند fatf و... طی شده بود، بلافاصله پس از انتقال یک چنین اعداد و ارقامی، حساب‌های این افراد ذیل نظارت‌های دقیق قرار می‌گرفت و از منافع ایرانیان حفاظت می‌شد. اما متاسفانه در فضای غیر شفاف و تاریک است و بدون نظارت‌های دقیق است که مفسدان، امکان تحقق برنامه‌های‌شان را پیدا می‌کنند.

۲) به نظرم این ساختارهای غلط است که فسادهای اینچنینی را شکل می‌دهند. در بستر یک ساختار کژکارکرد اقتصادی و نظارتی و اجرایی و... است که یک چنین مفاسدی شکل می‌گیرد. ضمن اینکه در مواجهه با این نوع فسادها، ذهن مخاطب ناخودآگاه به این سمت می‌رود که آیا مفاسد دیگری هم در زیر پوست این ساختار کژکارکرد وجود داشته که کسی از آن با خبر نشده؟ باید اعتراف کرد که در ایران هیچ برنامه مدونی که بتواند مسیر نرخ ارز را تعیین کند و نحوه توزیع آن را ساماندهی کند، وجود ندارد. دولت سیزدهم وعده پایان دادن به فساد را داده بود اما فقدان استفاده از افراد متخصص و آگاه باعث شده، یکی از بزرگ‌ترین فسادها در این دوره شکل بگیرد. بنابراین یک بار دیگر باید بر ضرورت استفاده از افراد متخصص، شایسته، عالم و کاربلد در دستگاه‌های مسوول تاکید کرد.

۳) اساسا برنامه‌ریزی‌ها در ایران با آزمون و خطا صورت می‌گیرد. وقتی هم که فسادی در ایران افشا می‌شود، مقامات مسوول فقط به دنبال فرافکنی موضوع بوده و تلاش می‌کنند، خود را بی‌گناه نشان بدهند! در حالی که در یک ساختار معقول، بلافاصله پس از بروز نارسایی‌ها، مسوولان و متولیان به دنبال چرایی وقوع این مشکلات می‌گردند. ادامه در صفحه ۳

یادداشت-۳

زمینه‌های فساد در چای دبش

حسن فروزان‌فرد

این درست است که بخش مهمی از اقتصاد ایران یا مستقیما در اختیار دولت است یا توسط بخش‌های شبه‌دولتی و خصولتی اداره می‌شود اما باید توجه داشت که سهم بخش خصوصی در اقتصاد روزانه و فعالیت در صنف‌ها و بخش مهمی از نیروی کار فعال در اقتصاد ایران، بسیار گسترده است و نمی‌توان در پیگیری مسائل مهمی مانند مبارزه با فساد، سهم بخش خصوصی را نادیده گرفت یا آن را کنار گذاشت. در واقع ما از سویی باید مبارزه با فساد را در این بخش دنبال کنیم و از سوی دیگر در نظر داشته باشیم که بخش خصوصی در ایران خود یکی از قربانیان فساد است. ما در سال‌های گذشته بارها شاهد آن بوده‌ایم که شرکت‌ها و نهادهای خصولتی نیز برای حضور در اقتصاد خود را خصوصی می‌نامند و به این شکل خود را معرفی می‌کنند. از این رو در این تردیدی وجود ندارد که در مسیر مبارزه با فساد، باید روی بخش خصوصی و ظرفیت‌های آن حساب باز کرد. فشار فراوان بر طبقه متوسط و بر عرصه کسب و کار، این قشر را از کارکرد خود دور کرده و منجر به کاهش فعالیت‌های آنها می‌شود و در عین حال زمینه کوچ و گذار سرمایه این قشر را فراهم می‌کند. این محدودیت‌ها همزمان، فرصت مغتنمی برای معاملات بزرگ، سودهای هنگفت و کسب منافع فسادآلود که تعداد آن اندک بوده اما به اندازه تمام خطاهای احتمالی که ممکن بود در فضای معمول کسب و کار اتفاق بیفتد، هزینه دارد ایجاد می‌کند و در کنار آن، مجموعه‌ای از کسب و کارهای کوچک و متوسط ناراضی و ناتوان شده را باقی می‌گذارد. اکنون دیگر بر کسی پوشیده نیست که هر گاه به واسطه مداخله دولت و تصمیمات بانک مرکزی در فضای اقتصادی به ویژه در حوزه ارز، تلاطم و عدم شفافیت ایجاد شده، بستر شکل گیری فسادهای بزرگ نیز پدید آمده است و این، حدیث مکرر و همواره تجربه‌شده فساد است. فسادی که اخیراً توسط نهادهای نظارتی کشف‌شده نیز رخدادی قابل پیش‌بینی بود. حال آنکه این مفسده با چه نامی و توسط کدام شرکت به وقوع پیوسته، تفاوتی نمی‌کند؛ مهم آن است که این مفسده‌جویی در ساحتی شکل گرفته است که سیاست‌های اقتصادی آن را پدید آورده و هر بار توسط فرد یا گروهی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این شرایط که فعالان شناسنامه‌دار بخش خصوصی از جهات مختلف تحت نظارت و فشار قرار دارند، انتظار ما از سیاست گذار، حرکت بر مدار شفافیت است. حتماً و قطعاً برخورد با خطاکاران این پرونده و پرونده‌های مشابه باید در دستور کار قرار گیرد؛ برخوردی قاطع و شفاف که زمینه اقدامات اصلاحی و رفتار پیشگیرانه برای آینده را فراهم کند. اگر چه، تاکنون، شفافیتی در برخورد با این پدیده‌ها به نحوی که عموم مردم از جزییات رسیدگی به آن مطلع باشند، مشاهده نشده و البته اینکه چه افرادی در شکل گیری این موقعیت‌ها نقش داشته‌اند، به دقت و شفافیت بیان نشده است. برای همین است که افراد مجازات می‌شوند اما باز هم موقعیت‌ها و اتفاقات مشابه تکرار می‌شود.

یادداشت-۴

خبر افزایش سرمایه‌ها محرک بازار در زمستان؟

بهنام علیخانی

این روز بیش از هر زمان دیگری مجددا بحث افزایش سرمایه شرکت‌ها مطرح شده و یکی از جذاب‌ترین موارد اعدادی است که برخی تحلیلگران در خصوص افزایش سرمایه شرکت‌ها از محل تجدید ارزیابی برخی شرکت‌ها مطرح می‌کنند. اما سوال اینجاست که آیا تجدید ارزیابی تاثیری بر سودآوری شرکت‌ها دارد؟

تجدید ارزیابی به بیان ساده به معنای به‌روز کردن ارزش دارایی‌های شرکت است. در واقع افزایش مبلغ دفتری یک دارایی در نتیجه تجدید ارزیابی آن مستقیما تحت عنوان مازاد تجدید ارزیابی ثبت و در ترازنامه به عنوان بخشی از حقوق صاحبان نمایش داده می‌شود. منظور از دارایی، دارایی‌هایی است که مطابق استاندارد حسابداری قابل تجدید ارزیابی است و شامل مواردی از قبیل دارایی‌های ثابت مشهود، سرمایه‌گذاری بلندمدت و دارایی زیستی مولد است.

با توجه به شرایط اقتصادی ایران و تورم ۳۰ تا ۴۰ درصدی هر ساله، مسلما دارایی‌هایی که شرکتی در سال تأسیس خریداری کرده دیگر در پایان سال دهم به همان اندازه نیست و اگر شرکت بخواهد همان دارایی را جایگزین یا خریداری کند باید حداقل چندین برابر استهلاکی که طی ۱۰ سال گذشته گرفته شده هزینه کند. در نتیجه شرکت برای بقا و تداوم فعالیت، باید ارزش دارایی‌های خود را همگام با تورم به‌روز کند و در پایان سال‌های استهلاک، متناسب با تورم اقدام به سرمایه‌گذاری یا خرید ماشین‌آلات جدید کند. در اقتصادهایی که همچون اقتصاد ایران تورمی است لازم است حداقل هر ۵ سال دارایی شرکت‌ها در طبقات مختلف تجدید شوند تا چرخه تولید و سرمایه‌گذاری رو به زوال نرود. اما مشکل شرکت‌ها برای عدم اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌ها و افزایش سرمایه از این محل چیست؟ طبق قوانین سازمان امور مالیاتی کشور، هزینه استهلاک مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها (تفاوت استهلاک بر مبنای دو روش بهای تمام‌شده و تجدید ارزیابی) به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی پذیرفته نمی‌شود؛ به این معنا که اداره مالیاتی این هزینه را به عنوان هزینه‌ای که بتواند مالیات را کاهش بدهد، قبول نمی‌کند.

اگر چه این هزینه منجر به کاهش سود می‌شود و متعاقبا باعث کاهش مالیات پرداختی می‌گردد، ولی اداره امور مالیاتی آن را به عنوان هزینه قابل قبول (کاهش‌دهنده سود و مالیات) نمی‌پذیرد و طلب مالیاتی متناسب با سود قبل از تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌کند. به همین دلیل شرکت‌ها باید علاوه بر هزینه تجدید ارزیابی دارایی‌ها، مالیات بیشتری به سازمان امور مالیاتی بپردازند. مشکل دوم انتظار سهامداران عمده این شرکت‌هاست. ادامه در صفحه ۴

یادداشت-۵

تاملی در کارکرد شورای عالی انرژی

رضا پاکدامن

امروزه انرژی از نقش تعیین کننده در شرایط کشورها اعم از جنبه‌های اقتصادی، رفاهی و حتی امنیت ملی برخوردار است. کشور ما علی‌رغم دارا بودن بزرگ‌ترین مخازن نفت و گاز و ظرفیت‌های بسیار بالای تولید انرژی خورشیدی، متاسفانه در شرایط «ناترازی انرژی» قرار داشته که نوعی پارادوکس محسوب می‌شود.

این شرایط نیازمند اتخاذ سیاست‌های راهبردی انرژی در حوزه‌های تولید، انتقال، مصرف، صادرات و واردات انرژی است. از دهه ۴۰ شمسی بحث تشکیل «شورای انرژی کشور» مطرح بوده که به دلایل مختلف و غالبا مقاومت دستگاه‌های اجرایی، عملیاتی نگردید.

نهایتا در سال ۱۳۹۰ و در قالب اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه به شرح ذیل، شورای عالی انرژی تشکیل گردید: «به منظور تمرکز سیاست‌گذاری در بخش انرژی کشور (از جمله انرژی‌های نو) و ایجاد هماهنگی لازم در جهت بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های کشور در بخش انرژی و بهینه‌سازی تولید و مصرف انواع حامل‌های انرژی و تعیین ضوابط و الگوهای آن و نیز تدوین سیاست‌ها و ضوابط تقلیل آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از تولید و مصرف انرژی، «شورای عالی انرژی کشور» به ریاست رییس جمهور (و در غیاب وی معاون اول رییس جمهور) و عضویت وزرای نفت، نیرو، امور اقتصادی و دارایی، صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی و روسای سازمان‌های انرژی اتمی، حفاظت محیط زیست و مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تشکیل می‌شود. تصمیمات شورای عالی انرژی کشور پس از تأیید رییس جمهور لازم‌الاجرا خواهد بود»

طی دهه نود، این شورا مصوبات مهمی به منظور شکل گیری و هدایت نظام انرژی در کشور داشته است، از جمله:

- طرح جامع انرژی کشور (مصوب اسفند ۱۳۹۹)
- سند تراز تولید و مصرف گاز طبیعی در کشور تا افق ۱۴۲۰ (مصوب اسفند ۱۳۹۹)
- سند چشم‌انداز تولید نفت خام تا افق سال ۱۴۲۰ (مصوب مرداد ۱۴۰۰)
- آیین‌نامه بازار بهینه‌سازی انرژی و محیط زیست (مصوب مرداد ۱۴۰۰)
- دستورالعمل اجرایی آیین‌نامه بازار بهینه‌سازی انرژی و محیط زیست (مصوب مرداد ۱۴۰۰)
- نظام‌نامه ثبت، اندازه‌گیری، راستی‌آزمایی و تایید صرفه‌جویی انرژی و کاهش تولید آلاینده‌ها و انتشار گازهای گلخانه‌ای (مصوب مرداد ۱۴۰۰)
- سند تامین انرژی بخش حمل و نقل کشور تا افق ۱۴۲۰ (مصوب اسفند ۱۳۹۹)

ادامه در صفحه ۳

یادداشت-۶

قوانین بازدارنده نیست

مصطفی اقلیما

دیگر به این اخبار عادت کرده‌ایم. چند سال قبل وقتی خبر قتل ناموسی را در رسانه‌های می‌خواندیم و اکنشی که نشان می‌دادیم با امروز کاملا متفاوت است در واقع این روزها آنقدر این اخبار در فاصله زمانی نزدیک به هم تکرار می‌شوند که اهمیت خود را از دست داده‌اند. البته هنوز هم فعالان حوزه زنان تلاش می‌کنند تا هر طور شده قوانینی به تصویب برسد که قدرت بازدارندگی بالایی برای جلوگیری از این دست قتل‌ها داشته باشد. اگر مروری بر قتل‌هایی کی طی چند ماه اخیر رخ داده داشته باشیم متوجه می‌شویم که اکثر این قتل‌ها ارتباط مستقیم با کودک همسری داشته‌اند. دختران نوجوانی که قربانی تعصبات خانوادگی شده‌اند. دخترانی که قرار بوده رویاهای خود را زندگی کنند اما اسیر کابوس‌هایی شده‌اند که خانواده برایشان ترتیب دیده‌اند و در نهایت هم به پایان زندگی‌شان گره خورده است. اینکه همسر، پدر، برادر، عمو... اجازه این را داشته باشند تا به بهانه‌های ناموسی جان یک انسان را بگیرند نشان از نقص آشکار در قانون دارد. در واقع قوانین حتی قانون منع خشونت علیه زنان در مقابل این رفتارهای متعصبانه بازدارنده نیستند و نه تنها باعث نشده‌اند که آمار قتل و خشونت علیه زنان کاهش پیدا کند که حالا به مدد شرایط حاکم بر جامعه از آشفتگی‌های اقتصادی و اجتماعی گرفته تا مشکلات معیشتی همه و همه دست به دست هم داده‌اند تا این نوع خشونت‌ها در جامعه افزایش پیدا کنند. از سوی دیگر شما وقتی سراغ آمار بروز این قتل‌ها در کشور می‌روی نمی‌توانی به عدد دقیقی در این باره دست پیدا کنی چرا که عموما چنین قتل‌هایی یا اصلا خبری نمی‌شوند یا اینکه در آمارهای رسمی جای نمی‌گیرند. همین مساله نبود آمار خود می‌تواند عاملی بر دامن زدن به رفتارهای خشونت بار علیه زنان باشد. این آمارها حتی اگر ثبت هم بشوند دسترسی به آنها آسان نیست چرا که جزو آمارهای ممنوعه و سیاه قرار می‌گیرند. در حالی که فعالان حوزه اجتماعی و جامعه شناسان و مددکاران باید به این آمارها دسترسی داشته باشند باید بتوان بر اساس آمارهای واقعی بر چرایی بروز این اتفاقات در جامعه تحقیق کرد. اینکه فقط بگوییم مساله قومی و قبیله‌ای است یا در استان‌هایی که تعصبات خانوادگی بیشتر از این اتفاقات بیشتر رخ می‌دهد نمی‌تواند عاملی باشد برای اینکه بتوان بر روی بروز چنین اختلال ناخوشایندی در جامعه کار کرد. مهم‌ترین مساله این است که یک فرد از بدو تولد با انواع آسیب‌های اجتماعی به دنیا نمی‌آید. یعنی نه دزد است نه قاتل است نه روسپی و نه... آنچه که باعث می‌شود تا افراد در این دسته‌ها و گروه‌ها قرار بگیرند شرایط خانوادگی و اجتماعی و اقتصادی و... است. این عوامل باعث می‌شوند تا فرد در معرض آسیب‌ها قرار بگیرد. پس برای اینکه بتوانیم این آسیب‌ها را به درستی ریشه‌یابی کرده و مانع از افزایش آن شویم باید آمارهای دقیق داشته باشیم. ادامه در صفحه ۳